نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم - شماره ۹۶۶ شنبه نهم مرداد ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان



علی اکبر محمدی باغملائی، آموزگاری از جنس خوشنامی

صفحه ۲

ظرفیت بیمارستان‌های استان بوشهر تکمیل شد

دکتر کشمیری؛ دبیر ستاد مبارزه با کرونای استان بوشهر:

روزانه بیش از ۵۰۰ بیمار جدید کرونایی در استان شناسایی می‌شوند و تقریباً ۵۰ درصد تست های آنها مثبت است.

در حال حاضر همه بیمارستان‌های استان بیش از ظرفیت خود بیمار پذیرفته اند.

یک تالار در شهرستان دشتستان جهت بستری بیماران کرونایی اضافه شده است.

کادر درمان مجبور به ویزیت سرپایی تعدادی از بیماران هستند.

تعداد زیادی از بیماران کرونایی در درمانگاه‌ها و مطب‌های شهر مداوا و بستری می شوند.

کمبود آب خوزستان، بحران ملی و نیازمند تدوین برنامه های جامع علمی



دلنوشته ای برای خوزستان

چرا کسی صدای مظلومیت خوزستان را نمی شنود؟

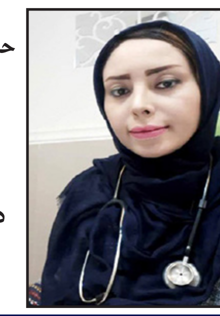
مصطفی یوسفی

بحران مدیریت و مرگ تالاب ها در خوزستان

دکتر عباس علوی نژاد

صفحه ۴

۳



حرف‌های دردناک یک پزشک؛ خسته از بی‌خوابی‌ها

دکتر سارا احمدزاده

۳



پژوهشی در آیین تدفین دوره های ساسانی در سواحل خلیج فارس

محمد محبوبی

۳



جاودانگی مُرادها را پاس می داریم

عبدالخالق ماجدی

٤



ثروت ملی و از خودبیگانگی جامعه میزبان

دکتر سجادبهزادی

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

زحمت مردم ندهید، حریف تکنولوژی و نوآوری نمی شوید



عجیب است که ژست و شعارتان رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم باشد ولی وقتی صندلی های مجلس را تصاحب می کنید، تمام تلاشتان را برای ایجاد محدودیت برای همین مردم بکار می گیرید، آن هم زمانی که مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم ها و سوء مدیریت ها در کشور، مردم را جان به لب کرده و منتظرند تا تصمیم گیران و مدیران ارشد، حال و روز خراب آنها را درک کرده و فکری به حال زندگی سخت آنها کنند. بعد به جای این که گره ای از کار فروبسته معیشتی جامعه بگشایید، طرحی در مجلس بگذرانید که فضای مجازی و اینترنت و تکنولوژی و فن آوری را محدود و مسدود کنید و بخواهید همین فرصت اندک ارتباطی و معیشتی و اطلاع رسانی را نیز در زیر کنترل سلیقه ای و جناحی خود درآورید.

به جز زبان بستن و محدودیت و مسدودیت و فیلتر کردن چیز دیگری ندارید که تا در برابر مسئله تازه و تکنولوژی و فن آوری جدیدی دچار عجز میشوید، به سراغ آنها می روید؟

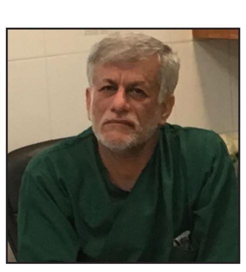
بارها و بارها پول و توان این کشور را به پای فیلتر و بگیر و ببند و تقابل با تکنولوژی و نوآوری ریختید، و باز هم این مردم راهی برای دور زدن محدودیتهای شما و استفاده از آنها پیدا کردند و این بار نیز حریف غلبه بر تکنولوژی و نوآوری و فضای مجازی نمی شوید، گرچه مشکلی بر مشکلات مردم می افزایید و دردسر جدیدی برای آنها فراهم می آورید اما همان تجارب شکست خورده قبلی این بار نیز منتظر این دیوار ترک خورده هست و این نیز به سرنوشت قوانین ممنوعیت و محدودیت های قبلی دچار می شود که طی ده ها سال تصویب کردید و با هزینه بسیار سعی کردید اجرا کنید، اما سرانجام با بی توجهی جامعه و رشد تکنولوژی، مردم از روی آنها عبور کردند.

کاری نکنید که مردم فکر کنند عمدی در کار است که نه تنها به زندگی سختی که از سر می گذرانند، بی توجهید که سر لجبازی با آنها نیز دارید و در سیل مشکلات کرونا و بی آبی و برق رفتگی و تورم و گرانی و بیکاری و ... شما جدا افتاده از این مردم، به دنبال اهداف جناحی و سیاسی برای مستحکم نمودن جایگاه خود در قدرت و ساکت نمودن منتقدین و بایکوت مطالبات مردمی هستید.

کی می خواهید صدای این مردم را بشنوید؟

کرونای واقعی دلتا و مسئولین ناکار آمد

دکتر عبدالرحیم مهرور



ابتدا باید افتخار کرد به این مسئولین که با تعلل در تهیه واکسن کرونا، اکنون ایران را در جایگاه اول مبتلایان به کرونا در جهان سوق دادند، بخصوص دکتر نمکی که با رفتارهای ناسلامتش بجای درمان ملت، همیشه نمک روی زخم های آنها می پاشید.

کرونا همراه با بعضی از مسئولین نا کارآمد تازه تاخت و تازش شروع کرده، بیمارستانها مملو از بیمار و نه تنها تخت های قدیمی و اسقاطی که در انبارها روزی مدفون شده بودند، در بخش ها فرا خوانده شده اند بلکه تخت های جدید هم به ستوه آمده و تاب و توانشان از نگهداری بیماران خسته و دل شکسته شده اند .

گویا ویروس های قبلی سرونا بودند نه کرونا زیرا این ویروس جدید نه به جوان رحم می کند و نه به کودک و مثل سیل بنیان کن بنیان ، عنان و امان بیمارستان ها را در نوردیده، از علائم جزیی سرما خوردگی تا سرفه های وحشتناک خروسی که برای بعضی ها عروسی برپا کرده و برای کادر درمان هم هراس و خستگی، هر چند که شایسته تقدیرند اما عده ای فرصت طلب هم هستند که در این آشفته بازار داماد این عروسی اند .

حال تنها راه چاره چیست؟

با توجه به این که بعد از تزریق واکسن به کادر درمان تلفات در این قشر شایسته، کاهش چشم گیری یافته باید مردم را تشویق به زدن واکسن کرد. راهی که باید شش ماه قبل طی می کردیم اکنون بصورت قطره چکانی تجربه اش میکنیم و سپس تنها راه علاج بعد از تزریق واکسن رعایت مقررات بهداشتی می باشد.

خطر کرونای جدید (دلتا) را بیشتر جدی بگیرید!

رضا سیاهوشی



دوستان، همشهریان و هموطنان عزیز و گرامی وضعیت کرونا بسیار اسف بار و بیمارستان ها مملو از مریض کرونایی شده و پیش بینی می شود روزهای خطرناک تری در پیش داشته باشیم.

-توصیه می شود تا آنجایی که امکان دارد از رفتن به مراکز درمانی خودداری نمایید.

-باتوجه به درگیرشدن ۲۳۲ شهر ایران به این بیماری احتمال می رود فاجعه ای مرگبار انسانی در پیش داشته باشیم.

-تا آنجایی که امکان دارد فقط بخاطر انجام کارهای بسیار ضروری از منزل خارج شوید و از رفتن به مراکز خرید ، پرتردد ، شلوغ ، مراسم ها، دورهمی ها و ... بپرهیزید.

-هرگز دلخوش از این نباشید که واکسن زده اید ، زیرا یکی از دوستان با اینکه هر دو دوز واکسن هم زده ولی متاسفانه الان درگیر شده ، ضمن اینکه اگر شخصی از قبل کرونا گرفته باز هم در معرض خطراست و اگر رعایت نکند دوباره مبتلا خواهد شد.

-هرچند که با زدن واکسن احتمال بیماری کرونا وجود دارد اما حتما و حتما واکسن باید زد زیرا یقین داشته باشید که درصورت مبتلا شدن هم درد و مشکلات این بیماری کم می شود و هم از مرگ و میر جلوگیری می نماید.

-باز تکرار میکنم این ویروس خیلی خطرناک تر از قبل شده و هم عوارض و درد آن بیشتر است و هم درمانش زمان بیشتری می برد .

-داروهای تقویتی ، مایعات ، سوپ ، غذاهای آبکی و داغ ، خرما ، سبزیجات ، میوه ، سیر ، پیاز و لیمو بیشتر استفاده نمایید تا در صورت مبتلا شدن ، بدن تاب و توان مقاومت در برابر این بیماری داشته باشد چون یکی از مشکلاتی که این بیماری برای مریض ایجاد می کند ، اشتها را از بین می برد.

در آخر ضمن سپاس و قدردانی ویژه از تمامی کادر درمان کشور ، خواهشمند است بخاطر حفظ سلامتی خودتان و رعایت حال این ایثارگران هم که شده بیشتر رعایت نمایید.

مهدی قایدی ارزشمندترین بازیکن لیگ برتر



در جدیدترین آپدیت سایت ترانسفر مارکت، مهدی قایدی با رشدی ۲۰۰ هزار یورویی، ارزشمندترین بازیکن ایرانی لیگ برتر شد.

وب سایت ترانسفر مارکت اقدام به آپدیت ارزش گذاری بازیکنان حاضر در لیگ برتر ایران کرد که مهدی قایدی با افزایش ۲۰۰ هزار یورویی، قیمت یک میلیون و ۸۰۰ هزار یورو ارزش گذاری شد.

تولد مادر اصلاحات در بوشهر

مهدی جهانبخشان



دیروز سالروز تولد مادر اصلاحات در بوشهر بود.

مادر برادران قیصی زاده از یونس تا بعدیها.

مرارتی که این بانوی بزرگوار برای بزرگ کردن بچه ها کشید، مثال زدنی است.

همسرش شهید حاج ابراهیم قیصی زاده، در جبهه به شهادت رسید و بار به مطلب رساندن چند بچه قد و نیم قد افتاد بر دوش همین بانوی بزرگوار دست تنها.

هر چند خانواده شهید محسوب می شد ولی در پی امتیاز ستانی از نظام نبود. بچه ها هم نبودند.

از دوم خرداد و انتخاب آقای محمد خاتمی، در کنار فرزندان و پا به پای فرزندانش، مطالبه گر جدی اصلاحاتی شد و در مراسم مختلف و همایش ها و تجمعات و انتخابات، حضور چشمگیری از خود نشان می داد.

بچه های روشنفکر و اصلاحاتی ها، بقول بوشهریها شب و روز رو دلش بودند ولی هیچگاه اخم و تَخمی نشان نمی داد و همه جور زحمات را متحمل می شد و لبخند از لبش محو نمی گردید.

یک خاطره جالب :

دکتر سروش قیصی زاده، فرزند یونس را به جهت درج یک مطلب در وبلاکش که ناشی از شور نوجوانیش بود، کلاس دوم راهنمایی که بود به دادگاه احضار کرده بودند. (من به شوخی دکتر را کوچکترین وبلاگ نویس کهکشان شیری خطاب می کردم، چون از کودکی در فضای مجازی برای خودش پیج ساخته بود). القصه، همه خانواده سعی در پنهان کردن این موضوع از مادر بزرگ، خانم دشتیاری زاده یعنی مادر اصلاحات داشتند و نگران بودند که به محض اطلاع، بیقراری کند.

مادر بزرگ می آید و به دکتر قیصی زاده می گوید: فهمیدم دادگاه خواستنت، (در اینجا خانواده دستپاچه می شوند که حالا مادر بزرگ چه عکس العمل مادرانه ای انجام می دهد).

مادربزرگ رویش را می کند به دکتر سروش و می گوید: اگه از خودت ضعف نشان دادی و به التماس افتادی، اصلا پایت رادر خانه نگذار، برو و مثل شیر از خودت دفاع کن.

مادر اصلاحات، تولدت خیلی خیلی مبارک. شیرزن محله جفره علیباش بندر بوشهر، سایه ات بر سر خانواده مستدام.

طرح صیانت یا محدود کردن حقوق شهروندان؟

دکتر پرویز حاجیانی



کی می خواهیم از گذشته درس بگیریم؟ چقدر تجربه های تلخ در گذشته از این سنخ داریم که امروز به آنها می خندیم.

جایی که دستمان خالیست به محدودیت رجوع می کنیم. نمی توان با فناوری با زبان زور صحبت کرد. فناوری راه خود را پیدا می کند چه بخواهیم و چه نخواهیم. امروز تکنولوژی و فضای مجازی، شبکه های اجتماعی دنیای جدیدی را پیش و روی اجتماع، اقتصاد و کسب و کار گشوده است. شبکه های اجتماعی فرصتی بزرگ است که دنیای امروز و ما به آن نیازی مبرم داریم.

راه استفاده درست از ابزارهای مدرن آگاهی بخشی است ولاغیر، سیاست های پلیسی راه به جایی نخواهد برد.

این رفتارها، دوستی با ملت نیست

دکتر عبداله آورا



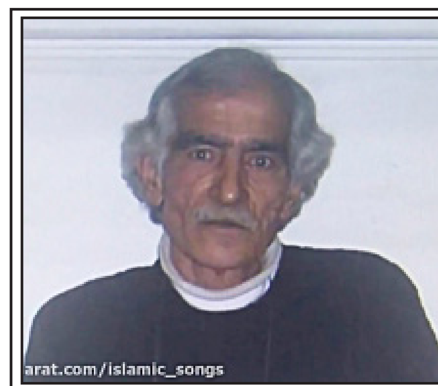
مجلس با سطحی نگری عجیب و کج اندیشی باور نکردنی در حال مقدمه چینی برای نابودسازی کسب و کارهای اینترنتی و فضای مجازی در ایران است.

بسیار عجیب است چنین رفتارهایی که با ظاهری دوستانه و خیر خواهانه در حال برنامه ریزیست. زندگی مردم را این گونه تباه نکنید. با تصویب چنین طرح خام و متحجرانه، تمام کسب و کارهای مردم، ارتباط کشور با مراکز علمی، فنی و اقتصادی دنیا قطع می‌شود. حتی تامین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه ها به روشهای سنتی چند دهه قبل بر می‌گردد و هزینه‌های سرسام‌آوری بر آنها تحمیل می‌کند.

تامین نرم‌افزار مورد نیاز مردم در کل مشاغل دچار اختلال و سختی می‌شود و افراد شاغل در تولید محتوا، از قافله پیشرفت دنیا عقب می مانند.

این رفتارها، دوستی با ملت نیست، و شمشیر از رو بستن بر ملتیست که همه جوره تحت فشار و تنگناست. دست از این کارها بردارید و اگر برای حل مشکل آب برق، بهداشت، محیط زیست، بیکاری و کرونا راهکاری ندارید لا اقل بیش از این زندگی مردم را تلخ و غیر قابل تحمل نکنید.

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۹۶۶ شنبه۹ مرداد ۱۴۰۰
NASIM JANOUB



رفتی ولی کجا که به دل جاگرفته ای ...

به یاد شادروان باقر آرامی

۱۲سال از ۶ مرداد سال ۱۳۸۸ گذشت. روز خداحافظی با باقر آرامی و همراهی جسم او تا آرامستان بهشت صادق. در زیر بارش شرجی و گرد وخاک. بردوشهای خسته یاران سوگوار روانه دیار ابدی شد و ما ماندیم و یک دنیا خاطره، خاطره های تلخ و شیرین.
معلم مدارس جزیره شیف، بنه اسماعیل، بنه خاطر، پورسینا امامزاده، فروغی جفره و...
نوحه خوان برجسته شنبدی، بهبهانی، حسینیه سید محمد، توحید و باغ ملا.
هم محلی، همکار و همراه مرحوم بخشی (در یک مقطع نوحه خوانی ده مسجد شهر و حومه بوشهر توسط این دو نوحه خوان از محله باغ ملا انجام می‌شد، هرکدام پنج محل و هر دو از شاگردان زنده یاد آقا سید علی مهیمنی).
بعد از زنده یاد شریفیان که نوحه خوانی صاحب سبک، مدیر و شاعر بود و با او مسجد شنبدی در اوج، نگرانی امنای مسجد یافتن جانشینی شایسته برای او بود و مرحوم سید امیر بانی هوشیار مسجد او را زود یافت: باقر آرامی نوحه خوان باسواد، خوش صدا و مسلط و چنین شد که دوران اوج محله شنبدی ادامه یافت و مراسم سینه زنی در مسجد شنبدی روزها و شبهایی با بیست حلقه (بر) سینه زن تشکیل می‌شد و باقر جوان خوش اندام باغ ملا با شایستگی نوحه می‌خواند و سینه را اداره می کرد.
و شنبدی در اوج بود و رقابت با دهدشتی داغ. صدای پر قدرت بخشو از دهدشتی می‌آمد و نوای حزین و اوج دار باقر از شنبدی. بی جهت نبود که باقر را حنجره حزین جنوب نامیده اند.
صاحب سبک در خیام خوانی ....
از شروه خوانان توانای شهر و استان و مرثیه خوان بی همتای مراسم سوگ با شناخت خوب موسیقیایی و تسلط بر ادبیات فاخر فارسی.
و البته توانا در چاووشی خوانی، بیت خوانی و یزله خوانی .....
به راستی هرچه خوبان همه دارند تو تنها داری.
۱۲سال می‌گذرد از آن مرداد غمبار و هرسال جای خالیت بیشتر به چشم می‌آید.
رفتی ولی کجا که به دل جا گرفته ای ...

خیره به هورالعظیم

هلنا سعادتمند



حیوان تنومند تکانی به خود داده به زور از باطلاق راهی میجست و خود را بالا می کشید.
چشمان درشتش را به اطراف چرخاند، اندام غرق در گل و لای خود را بسوی درختی کشاند.
شاخهایش را به تنه درخت سایید و تکیه داد، زبانی به دور دهان خشک و تشنه اش کشید، صدای بلندش در سراسر هور پیچید،گویی شکایت آدمیان را به کائنات می برد.
حیوان زبان بسته می دانست باردار است، می خواست به هر شکلی آبی بیابد و سیراب شود. با خستگی کنار باتلاق براه افتاد. یادش افتاد چه روزهای خوشی در همین هور شناکنان به دنبال دوستانش بود و هرگز نمی دانست تشنگی چیست.
اکنون در مسیر می دید دوستانش را که با کامی تشنه در جستجوی آب جان داده اند. حیوان زبان بسته همچنان می رفت و از دور آب خروشان را می دید و با هیجان بیشتری می رفت تا به آب برسد و بعد دوستانش را نیز خبر دهد.
تشنگی امانش را بریده بود، نگاهی به شکم برآمده اش انداخت، با پوزه اش کمی شکمش را خاراند و مجددا برای رسیدن به آبی که در دور دست می دید به راه افتاد. اما هر چه می رفت آب هم دورتر می شد.
خورشید گویی تمام قدرت خود را به رخ می کشید، گاومیش ایستاد چند نعره کشید، صدایش سراسر هور پیچید، زانو زد، سایه چند لاشخور را که بر بالای سر دید فهمید به آخر کار رسیده، زبان خشکش از دهان بیرون افتاد و چشمانش بدون آن که بسته شود به هورالعظیم خیره ماند.

علی اکبر محمدی باغملائی، آموزگاری از جنس خوشنامی

ای وجود بی همتا، والا مقام
ترا سپاس
ای بارش باران بر کویر خشک اندیشه
ترا سپاس
ای نجات بخش ای امید زندگی
ترا سپاس
ای معلم ای فراتر از کلام
ترا سپاس
عاشقی که از سرچشمه ی نگاهش، الفبای زندگی تدریس شد..

علی اکبر محمدی باغملائی فرزند ابوالقاسم متولد ۱۳۲۳ شهر بوشهر، فارغ التحصیل از دبیرستان تاریخی سعادت بوشهر رشته طبیعی.
از زبان خودش:
سال ۱۳۴۴ وارد سپاه دانش شدم و پس از گذراندن دوران تعلیماتی به اداره ی آموزش و پرورش شهر لار معرفی و ابلاغ دبستان مولوی شهر اهل (که در آن زمان روستا بود) را برای تدریس گرفتم. پس از یک سال تدریس و با اتمام دوره ی سپاهی به بوشهر مراجعت و تا سال ۴۶ در اداره ی مالاریای بوشهر مشغول به کار گردیدم. همزمان با تلاش های فراوان و رفت و آمد به تهران بالاخره به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمدم. آن



گاه داوطلبانه شهر لار را انتخاب نموده و از سال ۱۳۴۷ مشغول تدریس در دبستان مولوی شهر اهل شدم و این درحالی بود که به تنهایی، ۸۹ نفر دانش آموزش را از کلاس اول تا پنجم ابتدایی در اختیار داشتم و با عشق و علاقه نسبت به تربیت آن ها کوشا بودم.
فعالیت من تنها به مدرسه اکتفا نمی کرد و در همه ی امور روستا دخیل بودم.



* از جمله این که زمینی بلا استفاده جلوی مدرسه را با همکاری دانش آموزان و پاکسازی محوطه و ایجاد دیوار چینی به عنوان زمین ورزشی اختصاص دادیم
*چون در آن ایام روستا برق نداشت و به همین لحاظ معابر تاریک بود؛ مقرر نمودم که خانواده ها از اول شب هرکدام یک چراغ فانوس را به مدت چند ساعت بر روی درب حیاط خود نصب و روشن نموده تا بدین طریق روشنایی کوچه ها تامین شود.
*در کلیه ی مراسم های جشن و عروسی، عزاداری، آیین های محلی شرکت جُسته و با آنها همگام و همراه بودم؛ حتی در شب نشینی های محل شرکت می کردم و با پیشینه ای که داشتم نکات و موارد بهداشت فردی و اجتماعی را برای آن ها تشریح می نمودم. همچنین به خانواده ها روش طبخ برخی از غذاهای غیر بومی را آموزش می دادم.
*اولین گام ها را با همکاری دوستی از اهالی شیراز برای ایجاد یک شعبه ی بانک در آن محل برداشتم و مساعدت نزدیکی با اداره ی بهداشت و پاسگاه محل و بعدها بانک صادرات و سایر ادارات داشتم و بخاطر این همه فعالیت ها در سال ۱۳۵۰ از طرف بازرسی شیراز و آموزش و پرورش شهرستان لار به عنوان بهترین معلم لار شناخته و دبستانم به عنوان دبستان نمونه انتخاب گردید.

معرفی کتاب

کتاب جلوه‌های نمایشی جنگ

کتاب جلوه‌های نمایشی جنگ اثر غلامحسین دریانورد است که سوره مهر به چاپ رسیده است. این کتاب با نگاهی به رفتار، گفتار و نوشتار رزمندگان در هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نوشته شده است.



کتاب جلوه های نمایشی جنگ با هدف معرفی و بررسی جنبه‌ها و جلوه‌های نمایشی رفتار، گفتار و نوشتار رزمندگان هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نوشته شده است. تمرکز این کتاب بر نمودار ساختن ساخت‌مایه‌های نمایشی در رفتار، گفتار و نوشتار رزمندگان دارد. این اثر سه بخش دارد. بخش اول که مانند مقدمه اثر محسوب می‌شود به بیان اهداف و گزاره‌ها می‌پردازد، پیشینه و روش به‌کار گرفته شده در پژوهش را بیان می‌کند و منابع را نام می‌برد. پس از آن اصطلاحات و برابرنهادهایی مطرح می‌شود که با راهنمایی آن، شواهد و مثال‌های هر فصل، توصیف و بررسی شده است. در فصل بعدی این بخش نیز چند تعریف از جنگ و مراحل چهارگانه آن می‌خوانیم.
بخش دوم بررسی جنبه‌ها و جلوه‌های نمایشی جنگ در گزیده‌ای از اساطیر و قصه‌های آفرینش است. در این بخش به سراغ ادبیات باستانی و تاریخ کهن و معاصر می‌رویم که خود منابعی دیگر برای جستجوی جلوه‌ها، جنبه‌ها و خلاقیت نمایشی جنگ است. بخش سوم کتاب نیز بررسی جلوه‌ها، جنبه‌ها و خلاقیت نمایشی در رفتار، گفتار و نوشتار رزمندگان هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است که زمینه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد: در عرصه رفتاری آداب و رسوم، با زیرمجموعه‌های امور اجتماعی، امور دفاعی، امور عبادی، بازی‌ها، خلاقیت‌ها، اوقات فراغت و...
کتاب جلوه های نمایشی جنگ را به چه کسانی پیشنهاد می کنیم
کتاب جلوه های نمایشی جنگ را به تمام علاقه‌مندان و پژوهشگران در حوزه سینما و تئاتر و همچنین دوران دفاع مقدس پیشنهاد می کنیم.

بندرریگ، بندری با پتانسیل بالای گردشگری ولی غریب

مرتضی خضری: در شهرستان گناوه، شهری وجود دارد که روزگاری حاکم گناوه بود اما درهای بسته این شهر و شاید افکار بسته‌تر از دروازه، باعث شد تا آن بندر پر رونق، رونق خود را از دست بدهد.
بندر ریگ در جنوب و در ۱۲ کیلومتر بندر گناوه قرار دارد. جمعیت این شهر طی سال‌ها نه کم می‌شود و نه زیاد، بسیاری از نقاط دیدنی این شهر به صورت بکر باقی مانده است. طی چند سال گذشته شورا و شهرداری بندر ریگ تلاش زیادی کرد تا ریگ از انزوا خارج شود اما هنوز تلاش‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده است.



صبح آخرین روز تیرماه با هماهنگی عبدالخالق منصورزاده عضو شورای شهر بندر ریگ و عبدالمهدی شاهین‌زاده راهی سینه سور شدیم.
در این سفر دریایی غلامرضا کرمی روزنامه‌نگار و مدیر مسئول هفته نامه دریادلان، الیاس احمدحسینی مدیر گناوه آنلاین، مجید دشتی‌زاده عکاس و سکان‌دار هلی‌شات و آریوبرزن خضری هم بودند.
در اطراف بندر ریگ و به موازات ساحل این بندر، مکان‌هایی وجود دارد که خدا برای گردشگری آفریده است. شبه جزیره میرمهنا و سینه سور در جنوب و غرب بندر ریگ قرار دارند. شبه جزیره سینه سور روزگاری مسکن و ماوای چند انگلیسی بود. در بندرریگ تا مدت‌ها سینه سور به «جزیره مستر» مشهور بود. سینه سور در زمان مد جزیره است و در زمان جزر باریکه راهی از میان گل و لای پیدا می‌شود.
بهترین نقطه برای تردد به سینه سور، خورک پاشور۱ است. این خور بین بندر ریگ و عرش قرار دارد و نزدیک‌ترین نقطه به شبه جزیره سینه سور است. فاصله ۲۶۰۰ متری این خورک و شبه جزیره سینه سور به دلیل داشتن پناهگاه‌های مختلف، بهترین مکان برای قایق‌رانی و استفاده از قایق‌های پارویی‌ست. هنوز هم این محدوده پر از قایق‌های پارویی‌ست. بین بندر ریگ و سینه سور حاله قرار دارد. این حاله برآمدگی کوچکی‌ست که در جنوب آن خور غُراب۲ قرار دارد. در انتهای خور غُراب و خور بندر، لنگر گاه قایق‌های صیادی قرار دارد که به سه‌دیره۳ مشهور است. نقاط مختلف در این محدوده نام‌های مختلفی دارد. پر زردی۴ و خور دَروی۵ از نقاط پر تردد در این محدوده است.
سینه سور چهارهزار متر طول دارد و در عریض‌ترین نقطه به ۲۵۰ متر می‌رسد. در یک سوی جزیره ساحل ماسه ای وجود دارد و در طرف دیگر خورک‌های مختلفی‌ست که هم می‌توان در آن صیادی کرد و هم قایق‌های پارویی را به حرکت در آورد. در سینه سور چند نخل دیده می‌شود و کهوری که سایبان صیادان خسته است. بوته‌های «سبد۶» بیشترین سهم در پوشش گیاهی سینه سور را دارند. «بغیض» و «سهچو» هم از بوته‌های خودرو در این شبه جزیره هستند. بلندترین تپه در سینه سور ۱۰ متر ارتفاع دارد.
آرامش حاکم بر سینه سور هر سینه پر دردی را آرام می‌کند. سینه سور مکانی رویایی و آرام برای خلاصی از هیاهوی شهر است. در سینه سور از آلودگی‌های صوتی هیچ خبری نیست. در این شبه جزیره کافی‌ست چند نهال کاشته شود. دنیای درون آن با هیچ سرمایه‌ای قابل قیاس نیست. تا به امروز هیچ نگاه کارشناسانه‌ای به این مکان رویایی نشده است اما این مکان می‌تواند بندر ریگ و گناوه را در گردشگری، تکان دهد.
۱-خورک پاشور= محلی برای شستشوی پا، صیادان بعد از لنگر کردن قایق‌های خود از میان گل و لای می گذشتند و در این خورک پاهای خود را می‌شستند و به همین دلیل به خورک پاشور مشهور شد.
۲- غُراب= کشتی
۳-دیره= قطب‌نما- ریش سفیدان و قدیمی‌های صیادی در بندر ریگ اعتقاد دارند به دلیل ورود آب از سه جهت به این مکان، به «سه‌دیره» مشهور شده است.
۴-پر زردی= محل صید ماهی پر زرد بوده و به پرزردی مشهور شده است.
۵- دَروی= عمیق‌ترین محلی که قایق‌ها از آن وارد خور می‌شوند.
۶- سبد= بوته‌ای که شاخه‌های آن جهت ساخت سبد استفاده می‌شد و به همین دلیل سبد نامیده می‌شود.
منبع: یاران سبز

نام گذاری خیابانی در شهر اهل منطقه لار و لامرد بنام معلم بوشهری

ایرج محمدی

عاقلان بر علم غالب می شوند
عاشقان بر عشق مایل می شوند
عشق و دانش گر متمم چون شوند
پس معلم ها حاصل می شوند



و اینک پس از سالها، هنوز این اُلفت، همدمی، دوستی و رابطه ی شاگرد و معلمی پابرجاست؛ شاگردان دیروز، امروزه هرکدام مناصبی را چه در محل، چه کشور و حتی خارج از کشور در اختیار دارند ولی با این حال اعتراف دارند که هرچه دارند از معلم کودکی خود دارند.
امروزه آن زمین خاکی جلوی مدرسه مولوی به بوستان معلم تبدیل گردیده و به پاس زحمات این آموزگار فداکار (آقای محمدی باغملایی) تندیسی از معلم و دانش آموزان در آن بوستان خود نمایی می کند.
و چه زیبا ،اینکه اهالی خردمند این بخش (که حالا به شهر تبدیل گردیده)، نهایت قدرشناسی خود را به رخ کشیده اند و به وسیله شورای اسلامی شهر اهل در جلسه سال ۹۹ و در روز معلم جهت بزرگداشت مقام معلم خیابان ضلع شمالی دبستان مولوی را به عنوان اولین معلم رسمی این شهر (محمدی باغملایی) تعیین نموده اند.

تشکر از از خدمات ارزنده آموزگار بوشهری

با سلام ؛ کانون بازنشستگان آموزش و پرورش استان بوشهر از خدمات ارزنده آموزگار موحد، مهربان و وطن دوست، جناب آقای علی اکبر محمدی باغملائی، به هموطنامان در منطقه لار و لامرد شهر اهل در سالهای (۱۳۴۷تا ۱۳۵۰) تقدیر و تشکر می نماید و از اهالی فهیم و قدر شناس شهر اهل که خیابانی را به نام معلم مانا، جناب آقای محمدی باغملائی ، نام گذاری نموده اند سپاسگزاریم. توفیق و تندرستی همه عزیزان را از خداوند مهربان خواهانیم.
علی دباش – کانون بازنشستگان آموزش و پرورش استان بوشهر

نامگذاری خیابان های تهران به نام بوشهری ها

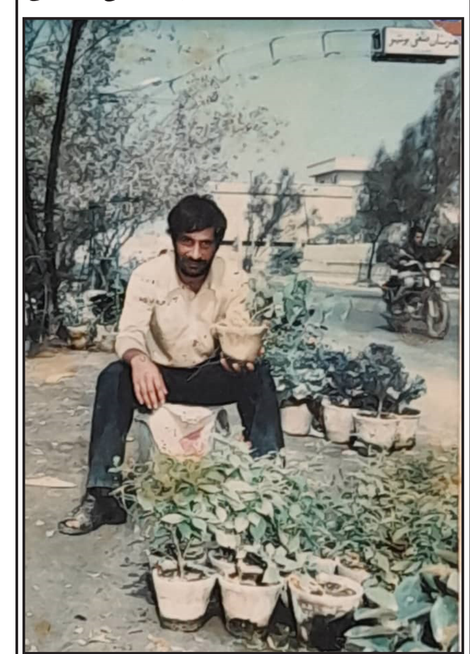
در جلسه سیصد و دوازدهمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران که بصورت مجازی برگزار شد، نامگذاری معابری در شهر تهران برای استان بوشهر و تنگستان عزیز با حمایت دکتر حق شناس به شرح ذیل تصویب شد.
۱- خیابان گوهر در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصلِ خیابان شریعتی تا خیابان پادگان ولیعصر به نام اهرَم
۲- خیابان گلستان اول در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، خیابان وزارت امور خارجه به نام سیراف
۳- خیابان گلستان دوم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، خیابان وزارت امور خارجه به نام انارستان
۴- خیابان گلستان سوم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، خیابان وزارت امور خارجه به نام کاکی
۵- خیابان گلستان چهارم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، حد فاصل خیابان وزارت امور خارجه تا آبادان به نام دَیّر
۶- خیابان گلستان پنجم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، حد فاصل خیابان وزارت امور خارجه تا آبادان به نام دیلم
۷- خیابان رضوان در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، حد فاصل خیابان آبادان تا خیابان محک به نام گناوه
۸- خیابان ۱۴ متری البرز در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران واقع در شهرک نفت، حد فاصل خیابان رضوان تا میدان آبادان به نام برازجان
۹- خیابان خارک اول در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران حدفاصل شهرک البرز حدفاصل خیابان خارک تا انتهای معبر به نام خارکو
۱۰- خیابان خارک دوم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران حدفاصل شهرک البرز حدفاصل خیابان خارک تا انتهای معبر به نام نخیلو
۱۱- خیابان خارک سوم و چهارم در محدوده منطقه ۱ شهرداری تهران حدفاصل شهرک البرز حدفاصل خیابان خارک تا انتهای معبر به نام فارسی
۱۲- خیابان برازجان در محدوده منطقه ۱۲ شهرداری تهران واقع در خیابان شهید مصطفی خمینی پایین تر از خیابان امیر کبیر به نام آیت‌الله مجاهد برازجانی
۱۳- نامگذاری خیابان چهارم در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصل خیابان شهید قنبرزاده تا خیابان شهید صابونچی به نام سردار شهید ماشااله کارگر
۱۴- نامگذاری خیابان هشتم در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصل خیابان شهید قنبرزاده تا خیابان شهید صابونچی به نام سردار شهید علیرضا ماهینی
۱۵- نامگذاری خیابان دهم در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصل خیابان شهید قنبرزاده تا خیابان شهید صابونچی به نام شهید ابوتراب عاشوری
۱۶- نامگذاری خیابان دوازدهم در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصل خیابان پاکستان تا بزرگراه شهید مدرس به نام آیت‌الله علم‌الهدی اهرمی
۱۷- نامگذاری خیابان چهاردهم در محدوده منطقه ۷ شهرداری تهران حدفاصل خیابان پاکستان تا بزرگراه شهید مدرس به نام آیت‌الله غلامحسین جمی
۱۸- خیابان آرامش در محدوده منطقه ۳ شهرداری تهران واقع در خیابان ولی عصر (عج) بالاتر از چهارراه اسفندیار به نام استاد همایون خرم

تعداد بیماران کرونا در استان بوشهر نسبت به پیک قبلی ۵ برابر است

جانشین استاندار بوشهر در ستاد استانی مدیریت بیماری کرونا با اشاره به درگیری جوامع با بیماری کرونا در ۱۸ ماه گذشته تصریح کرد: شرایط پیک پنجم کرونا خطرناک‌تر از دیگر موج‌ها است که مسئولان وزارت بهداشت تعداد بیماران نسبت به پیک قبلی ۵ برابر اعلام کرده‌اند.
محمد تقی ایرانی ساده‌انگاری و بی‌توجهی نسبت به شیوه‌نامه‌های بهداشتی را عامل شیوع بیماری کرونا و انتقال آن دانست و اظهار داشت: بر اساس بررسی‌ها رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی از ۸۰ درصد به ۴۵ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است و این نشان می‌دهد ۵۰ درصد مردم جامعه به هشدارهای بهداشتی و اجتماعی توجه نمی‌کنند.
وی با بیان این که موج پنجم بیماری کرونا خطرناک‌تر از دیگر موج‌ها است خاطر نشان کرد: موج پنجم بیماری کرونا در حال اوج گرفتن است و هر روز شاهد ثبت فوتی‌های عزیزان در گروه‌های سنی مختلف هستیم.
معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر باتأکید بر تأمین کادر درمانی، پرستاری و خدماتی مورد نیاز مراکز درمانی استان بوشهر افزود: باید در این شرایط خاصی و استثنایی همه پزشکان در بخش‌های خصوصی به یاری بیماران بشتابند و با حضور در بیمارستان‌ها رسالت و مسئولیت اجتماعی خود را در برابر مردم آسیب‌دیده نشان دهند. تمام تخت‌های بیمارستان‌ها در بخش کرونایی فعال است و با تأمین نیروهای مورد نیاز دیگر تخت‌های بستری برای رسیدگی به بیماران کرونایی فعال می‌شود.

جاودانگی مُرادها را پاس می داریم

عبدالخالق ماجدی



سالهای متمادی در دهه شصت، بازیکن تیم فوتبال منتخب بوشهر در رده های مختلف سنی بودم و برای تمرینات تقریبا هر روز از محله مان امامزاده با خط واحد شهرداری تا چهارراه دادگستری می آمدم. در پیاده رو خیابان به طرف استادیوم، یک گل فروشی وجود داشت و هر روز از میان گلدان هایش عبور می کردم و روزهایی که اتوبوس زودتر می رسید دقایقی می ایستادم و به گل ها و درختچه ها نگاه می کردم.
برایم همیشه سوال بود که این بنده خدا/ گل فروش چه طور بدون کولر در این گرمای تابستان در این چادر برزنتی دوام می آورد. نمی دانستم کجایی هست ولی می شد فهمید که از مناطق سردسیر هستند. یکی دو سال که گذشت متوجه شدم اسمش مراد هست!
سبک زندگی در آن زمان مثل امروز نبود که تقاضا برای گل های آپارتمانی زیاد باشد. مشتری اصلی و عمده آقا مراد، شهرداری بود که برای گل کاری و کاشتن درخت در میادین و خیابانها، خرید می کردند.
هفته قبل با خانمم در یکی از گل فروشی ها، دوری زدیم. زمانی که خانمم در حال انتخاب گل بود از آقایی که مالک گل فروشی بود سوال کردم که شما چندساله بوشهری؟
گفت: خودم حدود بیست سال ولی مرحوم پدرم تقریبا پنجاه سال بوشهر گل فروشی داشت.
گفتم کجا؟ گفت: سر چهارراه دادگستری و من پسر مُراد هنری، صادق هستم!
برای صادق از خاطرات آن سالها با پدرش تعریف کردم.
در فلسفه وجودگرایان اصطلاحی است بنام تکرار!
این که انسان آگاهانه، صفتی یا یک نوع ویژگی و یا یک کسب و کاری را از گذشتگان خود به عاریه بگیرد و با وجود درونی خودش به آن غنا و توسعه ببخشد و زمان را از یک تکرار کسل کننده و دایره ای، به شکل و صورت سَرمدی و جاودانه تبدیل نماید.
تکراری اصیل است که از سرچشمه وجود ارتزاق کند والا تکرار نااصیل، انحطاط تاریخی است.
نیچه بر این باور بود که با تاریخ می شود به سه شکل مواجهه شد: یادبود، عتیقه دوستی و انتقادی باید از لحظات و انسانهای نادر روزگار یاد کرد چرا که آنان فراتر از میانمایگی روزگار خود بودند.
لحظاتی در تاریخ همیشه وجود دارد که برداشت از انسان و توان انسان، به صورت معناداری توسعه پیدا می کند. ستایش این لحظات تاریخی به زمان حال ما، شجاعت و روشنایی می بخشد.
عتیقه دوستان، شاید زندانی گذشته باشند و حکایتی برای امکان توسعه وضع موجود ندارند و فقط می دانند که چه طور زندگی یا گذشته را باید نگه داشت و در آنان آفرینشی و برون جَستی از خود وجود ندارد!
رویکرد انتقادی، تاریخ و گذشته را به عنوان سکویی برای پرواز و برون جستن از خود تعریف می کند و گذشته را سلاخی و مواخذه و محاکمه می کند و صیرورتی عمیق و غنی و جاودانه به زندگی می بخشد.
نیچه و کیرکگور به نوعی معتقد بودند که در تاریخ، فردی جاودانه خواهد شد که برای نیازهای اصیل و راستین خود، مدام خودش را به یاد آورد و از میانمایگی و عادتها و روزمرگی ها تبری بجوید و بسوی کمال وجودی خودش متعالی شود.
وقتی به شکل و معنای کلمه فروتنی نگاه می کنم به وجد می آیم! چه کلمه زیبایی ست!
انسان(!)، قطعا فروتن است. درون و وجود خودش را می نگرد و از خود برون می جهد!
–مراد قصه من چندسالی هست که در قید حیات نیست ولی با هر بار قلمه زدن گلی یا درختی، چه بدانیم و چه ندانیم و چه مراد را بشناسیم و یا نشناسیم جاودانگی مُرادها را پاس می داریم. در تمام بذرهای گل های میادین و آپارتمانهای بوشهر، اثری از وجـــود مراد متجلی ست!
انسان های باوجود را نمی شود از تاریخ حذف کرد. بخدا نمی شود!
لیکن هر کسی به اندازه وجودش جاودانه می شود!
– نطقی از یکی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی شنیدم که تماما تشریح و تفسیر نهج البلاغه امیر مومنان،علی ابن ابوطالب(ع)بود. با خود فکر کردم که: ای پسر ابوطالب! چه وجـــودی داشته ایی که پس از گذشت قرنها ،آثارش هنوز در زندگی بشری متجلی هست؟!
باید وجود انسانی خود را بیابیم و زین بی خویشتنی و فرومایگی و از خودبیگانگی دست شست!
گلی بکاریم! غـارس درختی شویم! سقا شویم برای حیوانات! دســت خـدا باشیم بر سر یتیمی !
کتـابی قرض دهیم! لبـخندی بر چهره ایی اندوهگین، بگشاییم! تا باغ درونمان را صفا بخشیم
تا که شاید به مراد دل مان برسیم

پژوهشی در آیین تدفین دوره های ساسانی در سواحل خلیج فارس

محمد محبوبی



اغلب محققین بر این باورند که در دوره ساسانی، بر اساس آمیزه های دین زردشتی، الگوهای متفاوتی در آیین تدفین ایجاد و گسترش یافته است که همگی پیوند روشن و مستقیمی با آیین زردشت دارد.
عملکرد آنان بدین صورت بود که: جسد مردگان را در هوای آزاد رها کرده تا حیوانات وحشی و پرندگان آن را تجزیه کرده آنگاه، پس از متلاشی شدن جسد، استخوان های باقیمانده را در فرو رفتگی ها و طاقچه های ایجاد شده در صخره ها قرار می دادند. این فضای ایجاد شده در سنگ سخت کوه را، استودان ((استخوان دان)) می نامیدند .شمار زیادی از این استودان ها در کوه های، فارس مانند؛ نقش رجب در دامنه کوه رحمت در حوالی زنگی آباد، در کوه رحمت حوالی استخر، اطراف تخت جمشید، روی سکویی در دامنه کوه ((گونداشلو)) روی قطعه سنگی جدا افتاده در نزدیَکی نقش رستم و در سطح بریدگی سنگی بزرگ در تنگ خشک نزدیک سیوند. در اقلید، نزدیک آباده و در بالای دژی مشرف به بیشاپور شناسایی شده اند. این استودان ها به دو صورت، قبور دائمی و قبور موقت ((دخمک ها)) در بدنه سنگی کوه ها و یا لایه های کنگلومرا ایجاد شده اند. شایان ذکر است که استودانهای شناسایی شده در سواحل خلیج فارس قابل مقایسه با نمونه های فارس می باشند . این نوع استودان ها در سیراف، گورستان شغاب، بندر ریگ ((گناوه))، گورستان تیس در چابهار و گورستان حصیر آباد در شهر اهواز واقع گردیده اند. باستان شناسان محقق، گودال استخوان ها را چنین توصیف کرده اند: حفره های مستطیل شکلی هستند که در صخره ها تراشیده شده اند و ۱/۵ تا ۲ متر طول و ۵/ متر عرض و ۵/ متر نیز



گورستان بندر ریگ – عکس از حسین توفیقیان

عمق دارند، بطوری که بدن انسان در داخل آنها قرار می گرفت و تنها دست و پاهای جسد بیرون می ماند. به زبان باستان شناسی این گودال ها را ترانشه می نامند. بنابراین؛ این گونه حفره ها که معمولاً در نزدیگی گور دخمه ها واقع شده اند، اغلب در نواحی کوهستان فارس و سواحل خلیج فارس مورد شناسایی قرار گرفته اند. ناگفته نماند که: شیوه های تدفین دیگری نیز در دوره ساسانی به چشم می خورد که از آن جمله؛ می توان به قبور خمره ای، قبور ساده بر دامنه کوه ها و گاهی هم گورستان های وسیع اشاره کرد.
بر روی این نوع قبور، انباشتی از لاشه سنگ و قلوه سنگ های رودخانه ای دیده می شود. لکن؛ شایع ترین نوع قبور ساسانی شامل قبور کنده شده در بستر پشته های سنگی است که به دو صورت قبور با عمق زیاد و قبور با عمق کم وجود دارند.
قبور نوع نخست، برای تدفین های دائم و قبور نوع دوم به عنوان استودانهای قبور دست کند مورد استفاده قرار گرفته اند . ((در بندر ریگ گناوه)). در بررسی های باستان شناسی بنادر خلیج فارس که در سال ۱۳۸۸ توسط حسین توفیقیان استاد پژوهشکده باستان شناسی و میراث فرهنگی انجام گرفته است، در سواحل جنوبی بندر ریگ از توابع شهرستان گناوه، بقایای به شدت تخریب شده تعدادی از قبور کنده شده در سنگ، شناسایی شده است. این سواحل، بصورت پشته سنگی بنام ((تیرسول)) با ارتفاع حدود سه متر از سواحل پست و هموار پیرامون، بستر مناسبی را برای ایجاد این گورستان تاریخی مهیا کرده است.
مأالأسف: تخریب منطقه به گونه ای صورت پذیرفته است که؛ هم اکنون از این ارتفاع نسبی برای ایجاد ساختمان پلیس دریایی استفاده شده است. معهذا؛ با توّجه با جَزر و مَد دریا، این نقطه به صورت جزیره ای کوچک درآمده و تنها راه ارتباطی آن از طریق یک راه شوسه است که با جهت شمالی جنوبی، این تپه سنگی را به بندر ریگ متصل می نماید.
این محدوده را ((گیشهر)) نامیده اند. قبور شناسایی شده در بندر ریگ، بر روی پشته ای از جنس ماسه سنگ کنده شده اند. این تدفین های انگشت شمار با عرض حداکثر ۵۰ سانتیمتر، طولِ باقیمانده حداکثر ۲ متر و عمق ۳۰ تا ۴۰ سانتیمترِ بدون ظرافت در ماسه سنگ ایجاد شده اند. در مجاور این قبرستان، پراکندگی قطعات استخوان انسانی جلب توّجه می نماید. این قبور دارای جهات مختلف شامل: شرقی _غربی و شمالی _جنوبی هستند.
مقایسه تطبیقی این قبور با نمونه های موجود در سواحل خلیج فارس نشان می دهد که این مجموعه شامل تعدادی قبور موقت یا دخمکِ ساسانی است، مانند: نمونه های مشابه برای قرار دادنِ موقت مردگان به عنوان استودان مورد استفاده قرار می گرفته است.
شایان توّجه است که؛ تخریب شدید این منطقه مانع از مطالعه بسیار دقیق آن شده است و تنها می توان آنها را با قبور موقت و دخمک ها در گورستان شغاب بوشهر، روستای ((تیس)) چابهار – قبرستان سیراف در دره ((لیر)) – قبرستان حصیر آباد در اهواز و نمونه های موجود در ارتفاعاتِ مرودشت و بیشاپور فارس مقایسه نمود.

قبرستان شغاب بوشهر:
گورستان شغاب که در حنوب غربی شهر بوشهر و در محل پارک شغاب قرار گرفته است. این گورستان را در دهه های گذشته، باستان شناسانی همچون: علیٍ اصغر میرمفتاح، مهدی رهبر، علی اکبر سرفراز و اخیراً دکتر مصطفی دِه پهلوان رئیس مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران مورد بررسی و کاوش قرار داده اند. گورستان شغاب، در برگیرنده یک گورستان ساسانی است که بر روی بستر ساحل سنگی ایجاد شده است. در این گورستان دو روش تدفین دیده شده است. نخست، تدفین خمره ای که در داخل خمره های



قبور سنگی کاوش شده در گورستان شغاب، عکس از علی اکبر سر فراز

نوک اژدری قیر اندود انجام شده است. این خمره های تدفینی به عنوان تدفین ثانوی به کار رفته اند و استخوان مردگان بعد از جدا شدن گوشت، درون این خمره ها جای می گرفت .
دومین نوع تدفین، آن است که قبور مردگان را در سنگ سخت بستر کنده اند، سپس اجساد را داخل قبر گذاشته و روی آن را با تخته سنگ های مناسب پوشانده اند. درجای دیگر گورستان شغاب یک سری حفره های قبری شکل در سنگ بستر حفر شده است که دارای ابعاد یک قبر می باشد. امّا از عمق چندانی برخوردار نیستند.
این دست کندها، در واقع استودانها و قبور موقت ((دخمه های کوچک)) هستند که اجساد درون آنها برای مدت کوتاهی قرار داده می شد و پس از جدا شدن گوشت از بدن، استخوانها به خمره های تدفین و یا قبور کنده شده در سنگ بستر یعنی تدفین نوع دوم که پیشتر بیان شد منتقل می گردید.
قبور یاد شده دارای جهت شمال شرقی – جنوب غربی هستند. در گورستان شغاب، نوع دیگری از تدفین شامل استودان های سنگی وجود دارد که به صورت تابوت ساخته شده اند. قبور موقت کنده شده در بستر سنگی ساحل در شغاب قابل مقایسه با قبور سنگی سیراف، تیس چابهار، حصیر آباد اهواز و قبور سنگی ارتفاعات مرودشت و بیشاپور است که با توجه به مقایسه تدبیقی و مواد فرهنگی به دست آمده از کاوش باستان شناختی مهدی رهبر، این محوطه به اواخر دوره اشکانی تا اوایل دوره ساسانی است.

قبور دست کند در سیراف:



تدفین سنگی در بستر ساحل گورستان شغاب بوشهر (عکس از حسین توفیقیان)

در فاصله قرون دوم تا پنجم هجری قمری ((هشتم تا دوازدهم میلادی)) بندر باستانی تاریخی سیراف، یا طاهری امروزی، یکی از بزرگترین و با شکوترین بنادر ایرانی اسلامی در سرتاسر حوزه خلیج فارس به شمار می رفت. دریانوردان و بازرگانان سیرافی نه تنها با کلیه بنادرِ آباد و پر رونق خلیج فارس، بلکه با هندوستان، چینَ و شرق آفریقا نیز در تجارتِ مستقیم و مستمر بودند. این بندر اسلامی از دوره ساسانی مسکونی بوده و بقایای یک قلعه ساسانی نیز در محل مسجد جامع سیراف توسط دکتر دیوید وایت هوس کاوش گردیده است. سیراف، سرانجام در زلزله هولناک هفت شبانه روز که در نیمه دوم قرن چهارم هجری رخ داد به کلی ویران شد. بندر تاریخی سیراف در برگیرنده آثار متنوع و گوناگونی از ساحل دریا تا کوهستان سنگی شمال آن است. مهم ترین آثار کاوش شده توسط دکتر وایت هوس عبارتند از: مسجد جامع، خانه های اعیانی، بازار، حمام، کارگاهها سفالگری، حصار دور شهر و از این امور مهمتر، گورستان و گور دخمه های مشرف به شهر است که در دره (لیر) تا دره (شیلو) پراکنده شده اند. ۱۹۷۴ – ۱۹۶۷
نظر نگارنده: امید است با درایت مسئولین ذیربط پروژه بیرون کشیدن خرابه های تاریخی زیر آب سیراف را در دستورکار عملیاتی خود قرار داده میراث ارزشمند زیر آب سیراف را زندگی دوباره بخشند.

قبرستان لیر – شیلو در سیراف :
دره های لیر و شیلو در ارتفاعات شمال سیراف قرار گرفته و در برگیرنده لایه های ضخیم کنگلومرا و ماسه سنگ است که شرایط مناسبی را برای ایجاد یکی از بزرگترین گورستان ها و گور دخمه های ساسانی – صدر اسلام فراهم آورده است. این ارتفاعات سنگی به وسیله دو دره عمیق که حاصل فعالیت گسل های منطقه می باشد، به سطوح مختلف و با شیب ملایم به طرف دریا تقسیم شده است. درون این دره های V شکل و پرتگاهی، دیواره های بزرگ برای حفر صدها گور دخمه ساسانی مهیا گردیده و دامنه های متشکل از لایه کنگلومرا و ماسه سنگ نیز سطحی مناسب برای ایجاد قبور موقت ((دخمک)) و استودان های ساسانی و سپس قبور اسلامی فراهم نموده است.
گور دخمه های مورد اشاره، دارای اشکال مختلف و ابعاد متفاوتی بوده که خود نمایانگر وجود طبقات اجتماعی دوره ساسانی است.
با شواهد موجود، می توان چنین تصور کرد که گور دخمه های دارای قاب های ورودی هندسی و فضای منظم و چهار گوش که دارای لایه های ماسه سنگ کنده شده اند، متعلق به افراد متمول و متمکن بوده است.
از طرفی گور دخمه هایی فاقد شکل هندسی که تنها به صورت حفره های بزرگ یا متوسط درلایه های نرم و شکننده کنگلومرا کنده شده اند، متعلق به افراد طبقه پایین جامعه آن روزگار بوده است.
درون اکثر این گورِ دخمه ها، بقایای استخوان دیده شده است که عموماً مورد تخریب و دستبرد قرار گرفته اند. ارتفاعات شمالی سیراف از لایه های کنگلومرا در بالا و ماسه سنگ درِ پایین تشکیل شده اند که البته در زیرِ لایه دوم مجدداً لایه دیگری از جنس کنگلومرا دیدِه می شود. در دوره ساسانی با برداشت لایه کنگلومرا و سپس بخشی از لایه ماسه سنگ، یک سطح صاف از جنس ماسه سنگ ایجاد نموده اند که بستر مناسبی برای ایجاد استودان های قبری شکل مهیا نموده است . برش ایجاد شده در لایه های کنگلومرا در بالا و ماسه سنگ در پایین به ارتفاع تقریبی هشت متر در حاشیه غربی گورستان سیراف قابل مشاهده است.
در برخی موارد از این دیواره ایجاد شده در حاشیه گورستان برای حفر گود دخمه های ساسانی استفاده شده است. سطح صاف ایجاد شده که دارای شیب نسبتاً ملایمی به سوی دریا و بندر سیراف است ، زمینه مناسبی برای ایجادتعداد بی شماری از گود های چاله سنگی ساسانی است که به وسیله تدفین های دوره اسلامی ادامه می یابد.
در این بستر سنگی تعداد چهار ستون سنگی بزرگ با ابعاد حدود ۲/۵ متر طول و ۲ متر عرض و حدود ۳ تا ۴ متر ارتفاع در دو طرف دره (لیر) و در میان قبِور سنگی گورستان بر جای مانده است که احتمالاً به عنوان ((برج خاموش)) مورد استفاده قرار گرفته است.
این ستونها با بستر سنگی یکپارچه بوده و از تراش لایه ماسه سنگ بستر ایجاد شده است.
رأس یا بالای این ستون های سنگی حجیم، دارای فضای مناسب برای قرار دادن مردگان بوده تا اجساد در معرض هوای آزاد و پرندگان قرار گیرند و آنگاه استخوان هایشان به گور دخمه پیرامون انتقال یابد. در بستر سنگی کوههای سیراف، علاوه بر گود دخمه ها و ستون های سنگی حجیم ((برج خاموشان)) ، هزاران قبر کنده شده در ماسه سنگ به چشم می خورد.
این قبور سنگی دارای ۲/۱۰ متر طول و ۵۰ سانتیمتر عرض و ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر عمق هستند و به صورت دو گورستان بزرگ در شرق و غرب دره ((لیر)) دیده شده اند. مطالعات باستان شناسی در خصوص آیین تدفین مردگان در دوره های مختلف نشان می دهد که بر اساس مذاهب رایج در هر دوره الگوهای متفاوتی در جای جای ایران شکل گرفته است.
قبور دست کند قبرستان تیس _ چابهار: این قبرستان، شامال صدها گور کنده شده در بستر سنگی حاشیه جنوب غربی روستای تیس از توابع بندر چابهار است.
این قبرستان با نام قبرستان شماره یک یا قبرستان اجنه بر روی تخته سنگی مشرف به روستای تیس به نام پیل بند و در مجاورت قبرستان فعلی روستا واقع شده .
قبرستان تیس یا قبرستان جن ها در فرهنگ عامه اهالی، جایگاه خاصی پیدا کرِده و اعتقادات متفاوتی در مورد آن شکل گرفته است. مثلاً: اهالی معتقدند که شب ها نباید از این قبرستان گذر کرد. چون هرکس این کار را کرده بعد از چند روز مرده است. آنها، بر این اعتقادند که، شب ها، اجنه بالای سر درگذشتگان خود می آیند و این نقطه را جای ترسناکی می دانند.
قبور کنده شده در پشته سنگی پیل بند دارای ابعاد متفاوتی برای بزرگسالان و خُرد سالان بوده و دارای جهت شمالی – جنوبی هستند. بستر طبیعی گورستان از ماسه سنگ تشکیل شده که دارای سختیٍ پایداری بسیار زیادی است. شکل و فرم قبور کاملاً هندسی و زاویه دار بوده و حفر آنها کار پر زحمتی بوده است. در نزدیکی این قبرستان یک آب انبار وجود دارد که می تواند ارتباطی منطقی و کاربردی با قبرستان و محوطه استقراری پیرامون آن داشته باشد.

منابع مورد بهره برداری :
۱ – حسین توفیقیان: ((بنادر تاریخی خلیج فارس در دوره ساسانی تا اوایل اسلام بر اساس مطالعات باستان شناسی زیر آب)) پژوهشگاه میراث گردشگری ۱۳۹۳
۲ – لئو ترومپلمن: ((قبور و آیین تدفین در دوره ساسانی، باستان شناس و تاریخ ۱۳۷۹.
۳ – مهدی رهبر : ((گزارش کاوش قبرستان شغاب)). مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴ – دکتر مصطفی دِه پهلوان: رئیس مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران. ((کاوش در قبرستان شغاب ، خرداد ماه ۱۴۰۰ (مصاحبه حضوری نگارنده با نامبرده)).
۵ – دکتر دیوید وایت هوس: مقاله بازگشت سیراف، از کتاب: دانشگاه جندی شاپور و بازگشت سیراف
با ترجمان: اسماعیل نبی پور – دکتر ایرج نبی پور

حرف‌های دردناک یک پزشک؛ خسته از بی‌خوابی‌ها

دکتر سارا احمدزاده – متخصص قلب در بیمارستان شهید گنجی برازجان



کرونا سر رفتن ندارد. به همان بی رحمی و به همان کشندگی دارد پیش می رود. از موجی به موج دیگر و از گونه‌ی دلتا به لامبدا.
سمج و زهردار مثل تمام این یکسال و نیم.
حالا همه خسته ایم با انبوهی از آرزوهایی که موکول شده اند به بعد از کرونا.
وسط تمام بی خیالی خیلی از ما، پزشکان و پرستارانی هستند که با قدرت بار بی توجهی ما و مسئولین را به دوش بکشند. دکتر سارا احمدزاده متخصص قلب یکی از آن پزشکانی است که از اوضاع این روزهای کرونا در بیمارستان شهید گنجی برازجان و سختی‌های شغلی پزشکان و کادر درمان نوشته است.
«روز سوم از کشیک ۷۲ ساعته من در بیمارستان گنجی برازجان، اورژانس ۲۴ تخت خوابه ۶۰ مریض پذیرش کرده، بعضی‌ها روی تخت، بعضی روی صندلی و عده‌ای وسط اورژانس منتظر جای خالی، شبیه بیمارستان زمان جنگ شده است، پزشک و پرستار و مریض همه پر از تنش و کسی حوصله ندارد، هوا گرم است و بخار پشت عینک غواصی من نشسته و صدایم از پشت ماسک ۳m به زور در می‌آید و به قول مسئولین تنها بیمارستان شهر است نمی‌توانیم بلاک اعلام کنیم، جا نداریم و همه با کرونا می‌آیند و من در تحیر از این همه نادانی.
بیمار با سکته قلبی می‌آید تخت نداریم می گویند صندلی پیدا کن بشین، مانیتور نداریم، تقصیر پرستار که نیست، تقصیر پزشک هم نیست.
تمام راه‌ها باز است، جشن‌ها برپا، مسافرت‌ها سرجایش و کسی انگار اورژانس ما را نمی بیند.
تاوان دورهمی‌های شورای شهر است و انتخابات به ظاهر مراقبت شده. کادر درمان بریده است و دوباره مشاوره‌های ممتد عفونی ... بررسی از نظر مشکلات قلبی، تنظیم داروی قلبی، بررسی پمپاژ و یک دستگاه اکو و ۳ طبقه بیمار کرونایی که باید تخت به تخت جابجا شود، و اگر دستگاه سمت راست بیمار باشد و در برق باشد و ژل باشد و مریض درست خوابیده باشد که معمولا یک جای کار میلنگد هر بیمار ۲۰ دقیقه وقت می برد ... .
و من خسته از بی خوابی‌ها و زنگ های ممتد بخش های کرونا ... دکتر وطن پرست طب اورژانس دلم برایش می‌سوزد هنوز باحوصله درگیر این همه آدم ... از طبقه ۳ پرستار زنگ می زند یک بیمار جا ماند عصبی می شوم و صدایم بلند می شود، تمام طبقه هارا به زور با این آسانسور خراب تمام کرده ام، زانویم قفل می شود و پیام مسخره ۷۰ درصد کارانه فلان ماه ... یک میلیون و هفتصد ... مثل فحش دادن است در این خراب آباد کووید ... دلتا تبدیل به لامبدا شده است و خانواده پشت سر خانواده می آیند و ریه ها درگیر ... نفس ها بریده ... کد ۹۹ آی سیو داخلی، بار دوم است به فاصله ۲۰ دقیقه ... یک مرگ دیگر ... تمام بخش ها اکسترا زده اند و راهرو هم مریض خوابیده است ... ساعت ۱۲ شب است، خسته می رسم به اتاقم، از خستگی خوابم نمی برد، ساعت ۱و نیم شب از سی سی یو زنگ می زنند ptt بیمار مختل شده، می گویم هپارین قطع شود ...
ساعت ۴ صبح زنگ مجدد فشار بیمار دیگر افتاده است و باز دستورات لازم ... ۶ صبح خسته بلند می شوم که زودتر تمام شود و چشمانم به زور باز می شود، ماسک دستکش گان عینک، سهم منی که یک ساعت وقت دارم برای خوابیدن...»/ ایسنا

ظرفیت اسمی تخت‌های بخش کرونایی بیمارستان‌های استان تکمیل شد

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با بیان اینک ظرفیت اسمی تخت‌های بخش کرونایی بیمارستان‌های استان تکمیل شده است خاطر نشان کرد: سیر بیماری کرونا با گونه جهش یافته جدید وضعیت را بحرانی کرده است که همکاری همه پزشکان و پرستاران در این عرصه ضروری است.
جعفر زارعی‌زاده با بیان این
که همه بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها پذیرفته می‌شوند افزود: تعداد بیماران بستری نسبت به یک ماه گذشته افزایش قابل توجهی یافته و با افزایش بیماران بستری، شاهد روند صعودی فوتی‌های کرونایی هستیم.
وی کادر درمان، پرستار و خدماتی را مهمترین نیاز بیمارستان‌ها دانست و تأکید کرد: با تأمین کادر درمان و پرستار تخت‌های دیگر بیمارستان‌ها به بخش کرونایی اختصاص می‌یابد.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
www.nasimjonoub.com

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



ثروت ملی و ازخودبیگانگی جامعه میزبان

دکتر سجادبهزادی



"عسلویه ارث پدر کسی نیست ."
این تیتر مصاحبه یک روزنامه نگار با دکتر شمس اردکانی تحلیل گر انرژی در آذرماه ۱۳۸۰ است. این مصاحبه ۲۰ سال پیش در شماره ۱۶۷ یک نشریه محلی در استان بوشهر بنام "نسیم جنوب" چاپ شد و بعد از آن نیز بازتاب زیادی پیدا کرد.
در آن مصاحبه، روزنامه نگار که نویسنده این یادداشت است احساس می کرد این دیپلمات سابق که از قضاء دکتری انرژی هم دارد، سوژه خوبی برای یک مصاحبه مهم پیرامون مهم ترین ثروت ملی ایران، یعنی انرژی نفت وگاز است.
دکتر شمس اردکانی از دانشگاهی در شهر شیکاگو آمریکا دکترای اقتصاد انرژی داشت وبه مدت یک سال و نیم در مرکز تحقیقات علمی کویت مسئول بخش انرژی بوده‌است و همچنین در دانشگاه کویت اقتصاد انرژی درس میداده است.
روزنامه نگار در بخشی از مصاحبه خود گریزی به محرومیت در استان بوشهر می زند و از شمس اردکانی می پرسد "بنظر شما چرا شهرها و روستاهای این استان که در قلب ذخائرانرژی کشور و عسلویه زندگی می کنندخود از نعمت گاز محروم هستند؟" شمس در پاسخ می گوید" عسلویه ارث پدر کسی نیست و نفت وگاز ثروت ملی است و نه استانی... در دنیا به آدمی که توانایی نداشته باشد به اصطلاح نمی توانند بیش از توانش به او چیزی بدهند..."
امروز مردم خوزستان به خاطر مشکل آب در رنج هستند واین استان با تنش کم سابقه ای روبرو شده است.خوزستان نیز مانند استان بوشهر استانی است که ثروت ملی در آن فراوان نهفته است. علاوه بر نفت وگاز، نزدیک به یک چهارم منابع آبی کشور را دارا است. عمده منابع کشور در خاک این استان نهفته است و زمین‌های کشاورزی آن سالانه بخش قابل توجهی از نیاز غذایی کشور را تامین می‌کنند.
سخن اصلی یادداشت بر این پرسش استوار است که آیا می توان بر اساس همان نگاه دکتر شمس اردکانی در دو دهه گذشته این گونه تصور کرد که نگاه حاکمیتی به استان های جنوبی که ثروت ملی در آنها نهفته است چنان است که این استان ها خود سهم ناچیزی از این ثروت ملی داشته باشند؟ بر اساس کدام رویکرد علمی به استان های خوزستان وبوشهر، بیشتر به مانند منطقه‌ای نگاه می شود که باید تامین‌کننده منابع و مواد اولیه سایر استان‌ها باشند وخود کمترین سهم از ثروت ملی که در استان شان تولید می شود داشته باشند؟
اگر این طور هست چرا به آلودگی هوا و کاهش منابع آب در دو استان بوشهر و خوزستان که به دنبال توسعه تاسیسات عظیم نفتی رخ داده است بعنوان یک بحران ملی نگاه نمی شود وباید مردمان این سرزمین در رنج مضاعف باشند؟
اگر ثروت این دو استان ملی است، پس بحران هایی که به دنبال خلق این ثروت ملی درست می شود نیز باید با نگاه ملی برطرف شود و نه اینکه حل این بحران ها را بخواهند با منابع ناچیز استانی و به صورت قطره چکانی برطرف کنند که سالهای سال به طول انجامد ونارضایتی را



بالا ببرد.
"ثروت ملی ارث پدر کسی نیست؛" اما چرا جامعه محیط پیرامون این ثروت ملی، باید وارث بحران هایی باشند که به دنبال خلق همان ثروت ملی ایجاد شده است؟
برای حفظ و سلامت محیط‌زیست منطقه میزبان چه برنامه‌ای تدوین و اجرا شده است و چه شغل ها ودرآمدهای پایداری برای آنها ایجاد شده است؟
مردم استان های خوزستان وبوشهر ثروت ملی را در کنار خود می‌بینند، اما از آن ثروت ها بیش تر بحران ها را برای همیشه به ارث دارند. شاهد سدسازی‌ها و پروژه‌های عظیم انتقال آب وخطوط انتقال گاز هستند اما نه برای خود؛ بلکه برای دیگر مناطق. نماینده مردم اهواز در مجلس گفته است"با وجود ۵ سد بزرگ ، ۷۰۰ روستا و ۲۵ شهر خوزستان دچار تنش آبی هستند."
مردم این استان ها وارث بزرگ‌ترین و درآمدزاترین صنعت کشور یعنی صنعت نفت وگاز هستند. مجموعه عظیم صنعت پارس جنوبی که نزدیک به یک میلیارد متر مکعب در روز تولید گاز دارد در استان بوشهر قرار دارد. اما درصد بیکاری در این دو استان بسیار بالاست و جوانان شان سهم بسیار ناچیزی در آزمون های استخدامی دارند.
شمس اردکانی ۲۰ سال پیش درست می گفت. از آن روز تا امروز ثروت ملی ارث پدر کسی نبوده است و نخواهد بود. اما این برنامه ریزی یک سوی ناکوکی هم دارد و آن این که نباید کاری کرد جامعه میزبان خود را با ثروت ملی بیگانه ببیند و نسبت به آن احساس تعلق نداشته باشد.
احساس بیگانگی جامعه میزبان با ثروت ملی اگر رخ دهد بسیار خطرناک است. انتقاد مارکس از جامعه سرمایه داری هم همین بود. مارکس می گفت جامعه سرمایه‌داری به دلیل ماهیت ساختاری‌اش، از خود بیگانگی را در جامعه (کارگری) تقویت می کند که در نهایت اتفاقات ناخوشایندی ممکن است پیش بیاید. ثروت ملی ارث پدر کسی نیست اما جامعه میزبان باید بداند نسبت شان با این ثروت ملی چیست و چه سهمی از آن دارند.

کمبود آب خوزستان، بحران ملی و نیازمند تدوین برنامه های جامع علمی

محمود حمزه ئیان



بحران آب خوزستان سالهاست وجود دارد و اگرچه برخی مسئولین آن را انکار می کردند اما این بار به واسطه گسترش فضای مجازی، ابعاد مختلف آن بیش از پیش پدیدار شده است.
اگر بخواهیم واقع بین باشیم بحران کم آبی خوزستان و پیامدهای انسانی آن دیر یا زود اتفاق می افتاد و فقط سیلابهای اخیر و بارندگی های نسبتا مناسب چند سال پیش آن را به تعویق انداخته بود.
واقعیت بزرگتر اما این است که بحران کمبود آب، مهمترین و شاید استراتژیک ترین موضوعی است که در سالهای آینده درخاورمیانه باید بدان پرداخت. فارغ از تمامی بحرانهای دیگر مثل بحرانهای قومی و مذهبی، سیاسی و یا اقتصادی.
ابتدا به ایران بپردازیم. ایران ما در شرق با افغانستان برسر حق آبه هیرمند دچار چالش است و مردم سیستان و بلوچستان در بی آبی بسر می برند. در غرب و جنوب غرب کشور با عدم مدیریت صحیح منابع آب، دریاچه ارومیه عملا به دریاچه ای فصلی تبدیل شده و خوزستان هم که دچار خشکسالی و به تبع آن نارضایتی عمومی شده است.
در شمال آلودگی رودخانه ها و از بین رفتن جنگلها و فرسایش خاک، منابع آب را تحلیل برده و مردم جنوب هم با چالش تامین منابع آبی پایدار (مثل ساخت سدهایی که در استان بوشهر یا راه اندازی آب شیرین کن ها همچنان در انتظار بهره برداری هستند) دست به گریبان هستند.
در بقیه کشورهای خاورمیانه هم شرایط تقریبا همین گونه است. عراق بر سر حق آبه رودهای دجله و فرات با ترکیه دچار کشمکش است و ترکیه با ساخت سدهای متعدد بر روی این دو رودخانه، تلاش دارد با حفظ آب در سرزمین خود، از بروز بحران های کم آبی آینده جلوگیری کند. حتی اگر به قیمت خشکسالی یا نارضایتی عمومی در عراق باشد.
کمی آن طرف تر مصر و سودان با اتیوپی بر سر ساخت سد النهضه بر روی رود نیل وارد جنگ سیاسی شده اند و هر چند وقت یک بار این بحران ابعاد جدیدی می گیرد و بعید نیست روزی به درگیری نظامی هم منجر شود.
رژیم صهیونیستی نیز از ابزار آب برای کنترل کشوری مثل اردن در همسایگی خود استفاده میکند و با محدود کردن صادرات آب به اردن، از آب به عنوان ابزاری سیاسی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کند. در کشورهای حوزه خلیج فارس هم کمبود آب به پاشنه آشیل توسعه آنها تبدیل شده و راه حل فعلی آنها افزایش تعداد آبشیرین کن هاست.
حال با این توصیف اگر برخی مسئولین ما بحران خوزستان را به خواست های قومی و قبلیه ای تقلیل میدهند یا به خیال خام خود برای حل آن دست به دامان ارسال تانکر آب می شوند یا مثل همیشه گمان می کنند با ایجاد قرارگاه و ستاد می توان این بحران را حل کرد، باید گفت که سخت در اشتباهند و این بحران چیزی فراتر از اینهاست.
حل بحران کم آبی در کشور هم نیازمند تدوین برنامه های جامع علمی و کارشناسی شده توسط نخبگان و دانشگاهیان است که تمامی کشور را در برگیرد و در صورت لزوم با همکاری با کشورهای پیشرو در این زمینه، قدم به قدم به رفع این بحران کمک کند. اگرچه برخی مسئولین عملا اعتقادی به برنامه های علمی و تخصصی ندارند، اما این بار مسئولین خصوصا در وزارت خانه های نیرو، جهاد کشاورزی و صمت در این راه باید خود را برای گرفتن تصمیمات سخت آماده کنند.
ضمنا باید به مسئولین امر یادآورد شد گران کردن آب بهای خانوارها هم راه حل نیست، زیرا مصرف خانوارها حداکثر ۸ درصد از منابع آب شرب کشور است که بخش مهمی از آن هم قبل از رسیدن به دست مردم به دلیل استهلاک سیستم آبرسانی و لوله های زیرزمینی هدر می رود!
پس سعی نکنید با فرافکنی و افزایش آب ها مردم را به صرفه جویی اجبار کنید، زیرا آبی به مردم نمی رسد که بخواهند صرفه جویی کنند. به جای آن سعی کنید وظایف خود را در برنامه ریزی و تدوین راهکارهای کلان و اثر بخش برای کاهش مصرف در بخش هایی مثل کشاورزی که بیش از ۹۰ درصد آب آشامیدنی را مصرف می کند، به نحو احسن انجام دهید. مردم خود بهتر از بسیاری از مسئولین قدر آب را می دانند و تاریخ هفت هزار ساله این مردم گواه آن است.

دکتر عباس علوی نژاد

بحران مدیریت و مرگ تالاب ها در خوزستان



این روزها خوزستان علاوه برگرما عطش آب هم دارد و باعث اعتراضات مردمی شده و تالاب شادگان در حال مرگ است.
همین وضعیت برای تالاب پریشان فارس، هامون و هیرمند سیستان و بلوچستان، خورخوران هرمزگان،گاوخونی اصفهان و چغاخور چهارمحال و بختیاری هم وجود دارد.
کمبود آب شرب و سهمیه بندی آن در استان های گرمسیری و جنوبی مردم را بیشتر نگران کرده است.
این بلا عمومی شده، با احداث صنایع بزرگ آب بر در برخی استان ها، شیوه غلط آبیاری در کشاورزی، اشتباه در انتخاب نوع محصول وعدم تعیین اولویت صحیح، دست کاری بی رویه در طبیعت وبرداشت بی حساب از سفره های آب های زیر زمینی، سدهای بیش از نیاز و ظرفیت و بدون مطالعه جامع در برخی موارد و فرهنگ و نحوه مصرف عمومی آب از جمله عوامل این اوضاع است.
تا بحران فعلی به فاجعه غیر قابل جبران تبدیل نشده هرکس توانی دارد کاری انجام دهد.
مدیریت اعتراضات مردمی و نحوه مواجهه صحیح با آن هم مقوله دیگری است که دست اندرکاران نباید از آن غافل شوند.

شعر سایه هم این روزها خواندنی تراست:

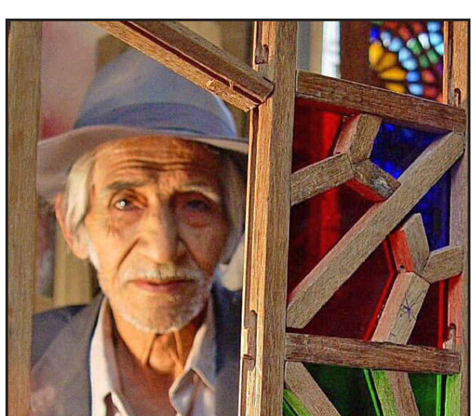
با این غروب از غم سبز چمن بگو
اندوه سبزه های پریشان به من بگو
اندیشه های سوخته ی ارغوان ببین
رمز خیال سوختگان بی سخن بگو
آن شد که سر به شانه ی شمشاد می گذاشت
آغوش خاک و بی کسی نسترن بگو
شوق جوانه رفت زیاد درخت پیر
ای باد نوبهار ز عهد کهن بگو
آن آب رفته باز نیاید به جوی خشک
با چشم تر زتشنگی یاسمن بگو
از ساقیان بزم طربخانه ی صبوح
با خامشان غمزده ی انجمن بگو
سرو شکسته نقش دل ما بر آب زد
این ماجرا به آینه ی دل شکن بگو

مجلس، محدودیت یا مصونیت

طرح جدید مجلس با عنوان مصونیت کاربران در فضای مجازی بدون مطرح شدن در صحن علنی مجلس در کمیسیونی تصویب می شود و اگر شورای نگهبان آن را تأیید کند، برای پنج سال آزمایشی اجرا می شود.
فضای مجازی وسیله ای است که مثل خیلی از ابزارهای دیگر بیشتر مفید است و البته می تواند مورد سوء استفاده هم قرارگیرد.
تجربه مبارزه با ویدئو و ماهواره که موفق نبود مطمئنا این شیوه برخورد با اینترنت هم موفق نخواهد شد.
بهترین روش برای مدیریت فضای مجازی، ارتقای آگاهی های عمومی و افزایش ظرفیت ها و توانمندی ها برای استفاده صحیح از آن و درک این واقعیت است که در آینده نزدیک این تکنولوژی بدون امکان کنترل، در دسترس همگان در سطح بین المللی خواهد بود.
مجلس محترم بهتر است با استفاده از ظرفیت اندیشمندان و مشارکت دولت، قوه قضاییه و جلب حمایت سایر ارکان نظام، برای مشکلات اساسی مردم مثل کرونا، بیکاری، تورم، گرانی، آب، برق، خشکسالی، حاشیه نشینی، اعتیاد، حجم زیاد جرایم و دعاوی، افزایش سرقت ها و بحران مسکن چاره اندیشی نماید.
در خانه ملت نشستن و بر محنت آنها افزودن، شرط مروت و طریق دیانت نیست.

شادروان حبیب نجار، استادکار ماهر و کم نظیر

جواد غلام نژاد جبری

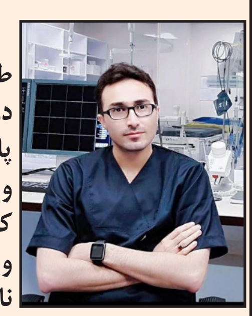


حبیب رحیمی شیرازی متولد ۱۳۰۳ در شیراز به دنیا آمد. در اویل دهه ۴۰ یک تاجر بوشهری درشیراز به دنبال یک استاد نجار حرفه ای بود که بتواند سقف سینما در بوشهر که در حال ساخت بود براشون درست کند، این گونه بود که برای اولین بار استاد حبیب رحیمی شیرازی باهمکاری آقای محمدیان تاجر وارد بوشهر شد.
بعد از اتمام کار سینما که چند ماهی مشغول درست کردنش بود به شیراز مراجعت نمود خانواده استاد حبیب خانواده ایی نجار هستند که در شیراز اقامت داشتند.
بعد از مدتی یکی از زرگرهای قدیمی بوشهر که کلیمی هم بود به نام عزیز طلا فروش در شیراز دنبال استاد حبیب نجار می رود برای این که مغازه اش را دکور بزند و بدین گونه است که استاد حبیب در محله کوتی خونه ای اجاره می کند برای محل اقامتش.
بعد ورودش به بوشهر چندین کار بهش سفارش می شود که این باعث اقامت دائمی او در بوشهر می شود که باز مجددا برای ساخت سینما فانوس بوشهر از استاد حبیب نجار دعوت می شود برای همکاری که دیگر کلاً در بوشهر ماندگار می شود.
در زمان حیاتش اولین دستگاه خراطی را در سال ۱۳۵۱به بوشهر می آورد تا آن زمان دستگاه خراطی برقی در بوشهر وجود نداشته است. اوایل دهه شصت که مسجد شنبدی را مرمت می کردند شروع به ساخت درب شبستون مسجد می کند ضمن این که مرحوم حاج اسماعیل شکیبا که بانی مسجد بوده ازش خواهش می کند که قالبهای ستونها براش ببنده چون که میرند معماری می آورند که براشون انجام بدهد این کار هزینه زیادی داشته و مسجد با کمکهای مردمی در حال مرمت بوده استاد حبیب نجار مسولیت این کار را قبول می کند و قالبها طی چند هفته با کمک بچه های محل بسته می شود.
کار نجاری خودش هم چند سالی طول می کشد که تنها آن جا مشغول بکار بوده، بعد از پایان کار مسجد شنبدی یک درب دیگر برای مسجد زیارتهای کوی جبری می سازد که هر دوی کار در نوع خود بی نظیر هستند به گواه مردم بوشهر بهترین استاد کاری بوده که شناخته شده بود و مردم می گفتند بروید پیش استاد حبیب شیرازی تا کارشان انجام شود.
او در سال ۱۳۹۴ دارفانی را وداع کرد.
با تشکر از همکاری پسر دومش استاد محمد(نجار)

دلنوشته ای برای خوزستان

چرا کسی صدای مظلومیت خوزستان را نمی شنود؟

مصطفی یوسفی



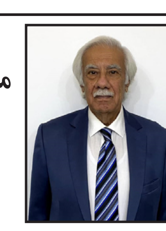
خوزستان که چشم طمع نااهلان بدان دوخته است همواره پاره تن ایران مانده و ۸ سال سینه سپر کرد و ویرانی کشید و «برای آن که ایران نامی جاودان بماند، خون دل ها خورد.»
سفره ی کرمش را پهن کرد و نفت و آب و گاز و فولادش را داد تا ایران آباد شود...
آری «خوزستان دینش را به اسلام ادا کرد.»
خوزستان دینش را به ایران ادا کرد...
اما...«آیا وقت آن نرسیده که خوزستان به حقی که شایسته و بایسته آن است- آن هم بعد از ۴۰سال و اندی- برسد؟»
چه به حق گفت آن مرد...
«خوزستان نیاز به ترحم ندارد حقی را که شایسته آن است می طلبد.»
خانه ها مان ویران شد هیچ نگفتیم...
آوارگی نصیبمان شد دم بر نیاوردیم...
هوا نداشتیم هوامان را هم نداشتند...
دشت ها و بیابان هاشان را سیراب کردیم و خود تشنه سر بر بالین نهادیم...
و سهم ما از این همه لطف و کرم فقر بود و بیکاری و تشنگی و مظلومیت و و...
«زیر بار غـــم شهرم جگـرم می سوزد
به خدا بال و پرم، بال و پرم می‌سوزد»
به راستی! چرا کسی صدای مظلومیت خوزستان را نمی شنود؟
خوزستان برای ایران چه کم گذاشت که باید حقش این باشد؟
آری...شاید قسمت ما هم در این است که با رنجی عظیم، بر گنجی عظیم از این دنیا رخت سفر ببندیم!
سخن کوتاه کنم که شعر قیصر حرف دل ماست:

اگر داغ دل بود، ما دیده ایم
اگر خون دل بود، ما خورده ایم
اگر دل دلیل است، آورده ایم
اگر داغ شرط است، ما برده ایم
اگر دشنه ی دشمنان، گردنیم!
اگر خنجر دوستان، گرده ایم!
گواهی بخواهید، اینک گواه:

منبع: تارنمای جنوب

چند رباعی تقدیم به مردم خوب وخونگرم و آگاه خوزستان

عبدالمجید زنگویی



من هم خوزستانی ام، این استان را تنها نگذاریم

تنها ننهیم پر گهر خوزستان
کافتاده زپا زتشنگی این استان
این منبع آب و نفت و فرهنگ کهن
نگذار شود نمادی از هیچستان

۲

دریاب فضای پاک خوزستان را
تاریخ و تپنده قلب نفتستان را
استان، تهی از آب و هوای پاک است
برخیز،که جان دهیم این بستان را

۳

کارون شده خشک و هور هم تشنه لب است
گتوند زپا فتاده در تاب و تب است
برخیز عزیز و دوست تنها مگذار
کاین جلگه عجیب و سخت در چنگ شب است

۴

من هم چو شما زخاک خوزستانم
وابسته ی مهر و عشق این استانم
تا ساعت قلب من نیفتاده زکار
درکار نگهداری این بستانم



رستوران‌دار قدیمی خورموج و رکورددار سبیل در ایران درگذشت.
محمد علی نژاد معروف به محمد بارو ساکن شهر خورموج شهرستان دشتی پس از یک دوره بیماری به‌رحمت ایزدی پیوست.

جناب آقای دکتر کشمیری ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر

شایسته است به پاس تلاش‌ها و زحمات مستمر کادر درمانی و پزشکی از شیوع کرونا تا کنون، از جنابعالی و همکاران محترمتان در راستای پیگیری، توسعه و پیشرفت همه جانبه در بخش بهداشت و درمان در استان بوشهر، نهایت سپاس و قدردانی خویش را تقدیم کنیم. بی شک نمونه بارز این خدمت رسانی، تلاش برای واکسیناسیون منظم و برنامه ریزی شده در جای جای استان بوشهر است. خدمت صادقانه تان را ارج می نهیم و از خدای متعال آرزوی سلامتی برای شما و همکاران محترمتان داریم.

(جمعی از جامعه فرهنگی و هنری استان بوشهر)